

مبانی فقهی ارتباط فرزندان با پدر و مادر

زهرا حسینی^۱، منیر کبیر^۲

چکیده

ارتباط فرزندان با پدر و مادر از مهمترین جنبه‌های ارتباط اجتماعی است. پژوهش حاضر، محورهای اصلی ارتباط فرزندان با والدین با استناد به منابع فقهی کتاب، سنت، روایات و عقل را تبیین می‌کند. با بیان احکام فقهی برگرفته از این مبانی می‌توان برای گسترش و نهادینه کردن ارزش‌های اصیل دینی در ارتباطات خانوادگی و برطرف کردن معضلات و آسیب‌های موجود در خانواده گام برداشت. مبانی اسلام برای تنظیم رابطه فرزندان با پدر و مادر با محوریت احسان به والدین و اطاعت از آنان ترسیم شده است. احسان در حال حیات شامل: احترام، ادب، مشورت، مراقبت در کهنسالی، رفع حوائج ضروری و وجوب نفقه است. احسان بعد از مرگ شامل: انجام قضای نماز و روزه و حج و ادای دین و بدهکاری و وصیت والدین است. وجوب اطاعت از پدر و مادر، مقید به عدم مخالفت با شرع است.

واژگان کلیدی: مبانی، ارتباط، فرزندان، پدر و مادر، اطاعت، احسان.

۱. مقدمه

خانواده نقش بسیار مهمی در فرهنگ جامعه ایفا می‌کند به همین دلیل امروزه دشمن برای نابودی جامعه و فرهنگ آن از طریق تغییر ارزش‌ها و باورهای افراد در خانواده سعی بر فروپاشی این نهاد دارد. تغییر ارزش‌ها سبب دگرگونی رفتار می‌شود به گونه‌ای که رفتارهای دینی به تدریج فراموش یا کم‌رنگ و شیوه‌های فرهنگی غربی جایگزین آن می‌شود. نمود این تغییرات در بروز اختلافات، ناسازگاری و عدم

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، گروه علمی-تربیتی فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، افغانستان.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، ایران.

تفاهم بین والدین و فرزندان آشکار می‌شود به گونه‌ای که آنها را نسبت به یکدیگر بیگانه می‌کند. در آموزه‌های اسلامی، معیارها و احکامی برای تنظیم روابط اجتماعی و از جمله روابط خانوادگی بیان شده است. این معیارها و احکام بر پایه مبانی فقهی وضع شده‌اند. این آموزه‌ها در کتب متداول فقهی ذکر نشده و اعم از آداب و احکام است، اما قابلیت استدلال فقهی دارد. پژوهش حاضر به دنبال تبیین مبانی فقهی تنظیم روابط فرزندان با پدر و مادر است و هدف اصلی آن، آگاهی خانواده‌ها از احکام اسلام برای اصلاح و پایداری روابط میان آنهاست.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. ارتباط

ارتباط در لغت به معنای علاقه و وابستگی (واسطی زبیدی، حسینی، ۱۴۱۴، ۲۶۲/۱۰) است. در اصطلاح حقوق، بستگی حقوقی دو یا چند شخص مانند بستگی حقوقی بین پدر و فرزند ارتباط نامیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۶). در تحقیق حاضر ارتباط در معنای لغوی به کار رفته است. مراد از ارتباط، علاقه و وابستگی بین والدین و فرزندان است که حقوق و وظایف متقابل برای آنان به دنبال دارد و در روایات با عنوان حق از آن یاد شده است.

۲-۲. مبانی

مبانی جمع مبنا، در لغت از بنی به معنای ساختن چیزی با ضمیمه کردن بعضی از آن به بعض دیگر (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳۰۲/۱)، ساختن خانه از پایه و اساس (جوهری، ۱۴۱۰، ۲۲۸۶/۶) است و در اصطلاح به معنای پایه، اساس و بنیاد معارف الهی که از منابع اصیل اسلامی اخذ می‌شود و از این مبانی، فروعات استخراج می‌شود.

۳. تفاوت مبانی و منابع

به دلیل خلط معنای مبانی و منابع، ابتدا تفاوت این دو برای واضح شدن معانی آنها بیان می‌شود. فقها و اصولیین، اصطلاح خاصی برای واژه مبنا ندارند، اما منظور از مبنا در نوشتار حاضر عبارت از قواعد و بنیادهای نظری که سرچشمه و زیربنای احکام شرعی است و این قواعد و اصول را باید از منابع

استنباط کرد. بنابراین در تفاوت مبانی و منابع می‌توان گفت که منابع، مأخذ مبانی و احکام شریعت هستند و مبانی را فقیه با رأی و اجتهاد خود اختیار می‌کند، اما منابع را شارع با واسطه یا بی‌واسطه در اختیار مجتهد قرار می‌دهد. به دلیل تأثیر مستقیم منابع در مبانی، شناخت منابع مورد استفاده فقها در استنباط احکام شرعی ضروری است. منابع اصلی برای استنباط احکام از دیدگاه فقهای اسلام عبارتند از: *قرآن*، سنت، اجماع و عقل (ملکی اصفهانی ۱۳۷۹/۱، ۳۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۱۵۵).

۴. مبانی ارتباط فرزندان با پدر و مادر

اصول و مبانی کلی در ارتباط فرزندان با والدین در فقه مطرح شده است. قبل از بیان مبانی تذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد. عنصر حاکم بر تمام مبانی خدامحوری است. فرد مؤمن در همه اعمال و رفتارش باید خدا را در نظر داشته و برای جلب رضایت او و رسیدن به تکامل و قرب الهی تلاش کند. خدا خالق بشر و همه موجودات هستی است. تمام مخلوقات در وجود و بقا، وابسته به ذات احدیت هستند. خداوند بر انسان ولایت دارد و اطاعت و رضایت او لازم است. اطاعت از پدر و مادر هم از فرامین الهی است، اما محدود به اینکه مخالفت با امر پروردگار نشود. ارتباط متقابل بین والدین و فرزندان نباید با مصالح مهمتر معارض شود. در صورت دعوت پدر و مادر از فرزندان به شرک، ترک واجبات و یا انجام محرمات باید امر الهی مقدم شود و اطاعت از والدین در این گونه موارد جایز نیست. در آموزه‌های دینی، تعلیمی برای روابط انسان با خدا، با انسان‌های دیگر و جامعه مشاهده می‌شود. در روابط با انسان‌های دیگر توجه خاصی به ارتباط با والدین شده و احکامی درباره آن صادر شده است. برای اصلاح روابط، شناخت مبانی اساسی این احکام در حوزه‌های مختلف و تبیین دستورات الهی انسان را یاری می‌کند. مهمترین مبانی فقهی در این بحث، احسان به پدر و مادر و اطاعت فرزندان از آنهاست.

۴-۱. احسان به والدین

حسن به معنای زیبایی (واسطی زبیدی، حسینی، ۱۴۱۴، ۱۸/۱۴۰)، نیکویی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳/۱۱۴) است. احسان مصدر باب افعال به معنای نیکو قراردادن چیزی است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲/۲۲۱). در اصطلاح به هر عملی که عقل و شرع آن را نیک بداند و نسبت به غیر انجام دهند، احسان گفته

می‌شود. این معنا با توجه و دقت در روایات به دست می‌آید مانند کلام معروف امام علی علیه السلام در رابطه با احسان. «فی کل معروف احسان» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲). مراد از معروف، هر کار پسندیده از نظر عقل و شرع است (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۱/۶۵۹؛ سعدی ابوجیب، ۱۴۰۸، ص ۲۴۹). بنابراین، هر عملی که از نظر عقل و شرع نیکو شمرده شود (و نسبت به غیر انجام پذیرد) احسان است. در لسان برخی آیات و روایات از احسان به والدین تعبیر به بر والدین شده است. بر در لغت و اصطلاح به معنای احسان است. بر در لغت به معنای صدق، طاعت، اصلاح و اتساع در احسان است (محمود عبدالرحمن، بی‌تا، ۳۷۰/۱). بر به والدین به معنای احسان و مهربانی و ارتباط نیکو با آنهاست.

۲-۴. وجوب احسان از نظر نقل

خدمتگزاری و احسان به پدر و مادر از اوصاف موحد واقعی است. در آیات متعدد، احسان به پدر و مادر در کنار توحید و نهی از شرک بیان شده است.

۲-۴-۱. آیات

اول) امر به احسان

«اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید». (نساء: ۳۶) اهمیت مسئله تاحدی است که خدای متعال وجوب نیکی به والدین را بعد از وجوب پرستش خود و نهی از شرک قرار داده است.

دوم) وصیت الهی به احسان

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند». (عنکبوت: ۸) در این آیه، احسان به والدین به صورت وصیت الهی مطرح شده است.

۲-۴-۲. روایات

اول) وجوب احسان از نظر عقل

وجوب عقلی احسان به والدین به جهت وجوب شکر منعم است. شکر منعم، واجب است. هر انسانی با رجوع به عقل و فطرت خویش درمی‌یابد در برابر اشخاصی که به او خدمت کرده یا نعمتی

عطا کرده‌اند باید شکرگزار باشد. در غیر این صورت، عقل، او را مورد مؤاخذه قرار خواهد داد. پدر و مادر از اعطای هر نعمت جانی و مالی به فرزند دریغ نمی‌کنند و حتی والدینی که در رسیدگی و تربیت فرزندان کوتاهی کرده‌اند حق حیات بر او دارند و قدردانی از آنها واجب است.

دوم) وجوب احسان در کلام فقها

با نگرشی بر کلام فقها مشخص می‌شود که احسان به پدر و مادر و اطاعت از آنها واجب و ترک آن حرام است. «آزارسانی به پدر و مادر حرام است و احسان و مصاحبت به معروف با آنان واجب است». (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۲۴)

۵. گستره مصادیق احسان

در آیات شریفه، لفظ احسان اطلاق دارد و نیکی به والدین، بدون قید و شرط است حتی اگر پدر و مادر کافر و مشرک باشند احسان به آنان واجب است. «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری از آنها پیروی مکن» (عنکبوت: ۸). آیه شریفه و آیات دیگر بدون هیچ قید و شرطی، امر به احسان والدین دارد، اما اطاعت از آنان مقید شده است. با نگرشی به آیات و روایات معصومین مشخص می‌شود که احسان و نیکی به پدر و مادر شامل موارد متعدد می‌شود. در نوشتار حاضر مصادیق احسان در حیات و بعد از وفات پدر و مادر بررسی می‌شود.

۵-۱. احسان در زمان حیات

۵-۱-۱. ادب

ادب به معنای رفتار نیک و پسندیده مطابق با هنجارهای جامعه است. آموزه‌های دینی بیانگر مراعات مراتب ادب در روابط با دیگران و در خانواده است. در متون دینی به همه اقسام ادب در مقابل پدر و مادر سفارش شده است.

اول) ادب در گفتار

سخن‌گفتن با پدر و مادر باید با صدای آهسته، همراه کلمات دلنشین و محبت‌آمیز باشد. همان‌گونه که در قرآن کریم به آن امر شده است. «و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو» (اسراء: ۲۳). آیه شریفه در بیان چگونگی رفتار با والدین امر به سخن‌گفتن آرام و لطیف و گفتار نیکو با آنان می‌کند؛ یعنی مستحب و شایسته است فرزند هنگام سخن‌گفتن با والدین ادب را مراعات کند. از مصادیق ادب گفتاری در روایات این است که هنگام صدازدن، پدر و مادر را با اسم صدا نزنند. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «از سنت و نیکویی این است که انسان نام پدرش را با کنیه بیاورد؛ یعنی او را با اسم صدا نزند» (صدوق، ۱۳۷۸، ۲/۱۲۵). دو واژه سنت و بر، بیانگر استحباب عمل است.

دوم) ادب در رفتار

در روایات اهل بیت علیهم السلام نکات بسیار ظریفی در چگونگی رفتار با پدر و مادر ذکر شده است. توجه و رعایت کردن این دستورات بر همه مسلمانان لازم است. شخصی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حق پدر بر فرزند سؤال کرد و حضرت فرمود: «حق والد بر فرزند این است که او را با اسم صدا نزند و جلوتر از او راه نرود و جلوتر از او در مجلس ننشیند و با او داخل حمام نشود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴/۷۴). در روایت شریفه از واژه حق استفاده شده است و لفظ حق که با کلمه علی بیاید، ظهور در وجوب دارد جز در مواردی که خلاف آن ثابت شود. با توجه به نیافتن فتوای فقها در این موارد آن را حمل بر استحباب می‌شود. علاوه بر گفتار و سفارشات ائمه بر رعایت ادب و احترام نسبت به والدین و نهی از بی‌حرمتی و بی‌ادبی به آنان، سیره عملی آنان هم به وضوح نشانگر این مطلب است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «پدرم به مردی که همراه پسرش راه می‌رفت در حالی که پسر بردست پدرش تکیه داده بود، نگاه کردند و از روی خشم و ناراحتی تا آخر عمر با آن پسر صحبت نکردند» (کلینی، ۱۴۲۹، ۴/۶۷). چگونگی رفتار امام معصوم و نشان دادن انزجار از بی‌حرمتی پسر به پدرش بیانگر ناپسند بودن این عمل است و اگر حرمت از آن استفاده نشود، لااقل گویای کراهت است.

سوم) ادب در نگاه

اسلام برای همه جزئیات زندگی انسان برنامه‌ریزی دارد. طرز نگاه کردن هم مورد توجه شارع قرار گرفته است. در روایات، نگاه محبت‌آمیز فرزند به پدر و مادر عبادت شمرده شده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «نگاه فرزند به پدر و مادر از روی محبت، عبادت است» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۶) و از نگاه همراه خشم و غضب نهی شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «فردی که به پدر و مادرش نگاه غضبناک و از روی خشم کند درحالی آنان ظالم هم باشند، نماز او قبول نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۲۹، ۳/۳۴۹). شرط قبولی عبادت، رعایت ادب در نگاه قرار داده شده است.

۵-۲. احترام

در آموزه‌های اسلامی بر احترام نسبت به بزرگسالان از جمله والدین تأکید بسیاری شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «کسی که بزرگسالان را احترام نکند و به کودکان رحم نکند از ما نیست» (کلینی، ۱۴۲۹، ۳/۴۲۲). پدر و مادر نسبت به فرزند، بزرگ‌تر هستند. در روایت تأکید بر احترام به بزرگسالان شده است. در آموزه‌های دینی حتی کمترین بی‌احترامی نسبت به پدر و مادر مورد نهی شارع قرار گرفته است. آزاررساندن و اهانت کردن به پدر و مادر هرچند با گفتن اف که کمترین اهانت است، حرام می‌باشد. «هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها نزد تو به سن پیری رسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار» (اسراء: ۲۳).

اف، اسم صوت است و در لغت کلمه اظهار کراهت از چیزی است. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۱/۵۸۴) کنایه از اینکه کوچک‌ترین سخنی که بیانگر بی‌میلی و تنفر از آنان باشد بر زبان آورد. در آیه شریفه بر زبان راندن لفظ اف نسبت به والدین، تحریم شده است. علت حرمت تأفیف، قبح آزار آنهاست؛ یعنی چون آزار والدین قبیح است تأفیف آنها حرام است، پس ضرب و شتم به طریق اولی، حرام خواهد بود؛ زیرا قبح آزار والدین در ضرب و شتم، بیشتر از اف گفتن به آنهاست، پس هر چیزی که موجب آزار آنان شود، حرام است. خداوند متعال کوچک‌ترین مصداق را بیان کرده است. در آیه شریفه نهی از لفظ اف برای والدین در کبر سن آمده است، اما نهی الهی مخصوص این سن نیست. قید احترازی نیست که

گفته شود اگر پیر نشده باشند، احترام نیاز ندارند. قید تأکیدی است برای تأکید احترام بیشتر در سن پیری؛ زیرا در کهنسالی نیاز بیشتری به احترام به دلیل ناتوانی و زودرنجی و احتیاج به دیگران بیشتر است.

۵-۱-۳. تواضع

در آیات و روایات بر تواضع و فروتنی نسبت به پدر و مادر تأکید شده است. «و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر» (اسراء: ۲۴). در آیه شریفه از فروتنی و خاکساری به فرود آمدن بال تعبیر شده است. برخورد با پدر و مادر با حالت فروتنی از روی رحمت و لطف باشد. کلمه «خفض جناح» کنایه از مبالغه در تواضع و خضوع در گفتار و عمل است. این معنا برگرفته از صحنه‌ای است که جوجه، بال و پر خود را باز می‌کند تا مهر و محبت مادر را برای تغذیه خود تحریک کند. به همین دلیل کلمه جناح را مقید به ذلت کرده است، پس انسان در برخورد با پدر و مادر و معاشرت با آنان باید در نهایت خضوع و ذلت عمل کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸۱/۱۳).

۵-۲. مشورت

گسترش فرهنگ مشاوره در جامعه اهمیت و فواید بسیاری دارد. بهره‌مندی از آرای دیگران موجب موفقیت انسان می‌شود. مشاوره با افراد عاقل، باتجربه، باتقوا، عالم، کارشناس و خیرخواه مورد تأکید شارع اسلام است. «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست» (شوری: ۳۸). مشورت در آیه شریفه از ویژگی‌های انسان‌های باایمان و در کنار اقامه نماز و انفاق ذکر شده است. امام ششم علیه السلام در بیان ویژگی‌های مشاور می‌فرماید: «در امور خود که جنبه دینی دارد با کسی که دارای پنج صفت است، مشورت کن: عقل، بردباری، تجربه، خیرخواهی و پرهیزکاری» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۷۲). مشورت در همه امور و در امر خانواده مستحب است. در صورت داشتن شرایط، مشورت با پدر و مادر برای فرزند از مشورتشان با دیگران در اولویت قرار دارد؛ زیرا پدر و مادر، خیرخواهی بیشتری نسبت به فرزندشان دارند، آگاه‌تر و خبره‌تر از دیگران نسبت به خصوصیات روحی و اخلاقی بچه خود هستند، مصالح او را بهتر تشخیص می‌دهند و قابل اعتمادتر هستند، البته مشورت در غیر مواردی است که ولایت و اطاعت آنان بر فرزند ثابت است.

۵-۳. رفع حواجیج

برآوردن حاجات مادی و معنوی والدین بر فرزند واجب و از مصادیق احسان است. وجوب احسان در آیات شریفه اطلاق دارد و در روایات ائمه مصادیق و حدود آن بیان شده است. قبل از اظهار نیازمندی‌ها توسط والدین، واجب است فرزندان درصدد رفع آن باشند، اما در مورد درخواست‌هایی که به آن احتیاج ندارند نیز نباید طوری رفتار کنند که سبب آزارشان شود؛ زیرا رنجاندن والدین حرام است. ابی ولاد حناط می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام از قول خدای عزوجل وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و به پدر و مادر نیکویی نمایید» پرسیدم: این احسان و نیکویی چیست؟ فرمود: احسان آن است که با آنها خوش رفتاری نمایی و آنها را به تکلف نیندازی که حوائجشان را از تو درخواست کنند و اگر چیزی از تو خواستند هرچند بی‌نیاز باشند آنها را رنجانی» (عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۷/۲۱). بنابراین، فراهم کردن امور مورد نیاز والدین بر فرزند واجب است.

۵-۴. مراقبت در دوران کهنسالی

با افزایش سن پدر و مادر، نیازهای جسمی و روحی آنان هم بیشتر شده و دلجویی و مراقبت از آنان ضروری‌تر به نظر می‌رسد. در روایات تأکید ویژه‌ای برای حفظ احترام بزرگسالان آمده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که احترام بزرگسال را نگه نداشته از ما نیست» (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۲۲/۳). ادله به‌طور عام متذکر احترام بزرگسالان شده است و با قیاس اولویت بر پدر و مادر دلالت می‌کند. مراقبت از والدین توسط فرزندان مصداق بارز احترام است.

۵-۵. نفقه

در فقه شیعه پرداخت نفقه برخی اشخاص برانسان واجب است. نفقه پدر و مادر ناتوان بر فرزندان جزء موارد نفقه واجب است. دلایل وجوب نفقه والدین در صورت نیاز عبارت است از:

آیه شریفه: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ؛ از تو سؤال می‌کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه

باشد». (بقره: ۲۱۵) در آیه شریفه از موارد انفاق سؤال شده است و خدای متعال در پاسخ هم موارد انفاق و هم محل مصرف آن را بیان کرده است. در جنس مورد انفاق از کلام «من خیر» استفاده می‌شود. چیزی که باید انفاق شود، مال است، خواه کم باشد یا زیاد. موارد مصرف انفاق عبارتند از: والدین، اقربا، ایتام، مساکین، ابن سبیل که والدین و نزدیکان مقدم شده‌اند. برگرداندن وجهه کلام به جهت دیگر و توجه دادن به معنای دیگر هنگام پاسخ به سؤال طبق بیان برخی مفسرین از لطیف‌ترین بیاناتی است که جز در قرآن در هیچ کلام دیگری یافت نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶/۲).

روایات: حریر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «به امام عرض کردم چه کسی را مجبور شدم بر (اکرام او) و بر پرداخت نفقه او؟ امام علیه السلام فرمود: پدر و مادر و فرزند و زوجه». (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۵۷/۲) دلالت آیه و روایات بر وجوب نفقه پدر و مادر بر فرزند واضح است.

وجوب نفقه والدین در کلام فقها: نفقه والدین هنگام تنگدستی بر فرزند، ثروتمند واجب است و تفاوتی بین دختر و پسر نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱، ص ۶۲۰؛ عاملی و شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۸۳/۸) از جمله حقوق غیر قابل اسقاط، حق نفقه فرزند بر والدین و بالعکس است (لاری، ۱۴۱۸، ۲۷۵/۲). نفقه بر اولاد و والدین واجب است و اجماع مسلمین و مؤمنین و اخبار مستفیض و متواتر بر آن دلالت دارند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۹۷/۲) مانند زمانی که فرزند توانایی مالی دارد و والدین او معسر هستند باید به آنان انفاق کند و اگر فقط قادر بر پرداخت نفقه یکی از پدر و مادر است برخی مادر را مقدم داشته‌اند به دلیل فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله که سه مرتبه درباره مادر سفارش کرده است و بار چهارم نیکی به پدر را بیان می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۶۰/۲) و به دلیل تساوی آنها در درجه و برتری مادر در حضانت و حمل و وضع و گروهی اعتقاد به اولویت پدر هستند به دلیل انفراد در تعصیب، اما قول صحیح تساوی والدین در استحقاق نفقه به آنهاست (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۴/۶).

۵-۶. ارث بری

از مسائل مهم در رابطه با حقوق مالی، مسئله ارث است. فرزند بعد از فوت والدین از آنان ارث می‌برد. مقدار ارث بری در قرآن و روایات بیان شده است و فقها به خوبی آن را تبیین کرده‌اند. یکی از اسباب

ارث، نسب است و پدر و مادر و فرزند در طبقه اول از طبقات ارث جا دارند. «و برای هر يك از پدر و مادر او، يك ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد و اگر فرزندی نداشته باشد و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او يك سوم است (و بقیه از آن پدر است) و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش يك ششم می برد و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است» (نساء: ۱۱). اگر وارث فرزند، فقط پدر و مادر او باشند هر یک به مقدار یک ششم از مال فرزند ارث می برند و در صورت وجود وارث دیگر در این طبقه، سهام هر کدام یک سوم خواهد بود. با توجه به مقدار سهام مردان و زنان در ارث مشخص می شود که سهم زن، کمتر از سهم مرد است مگر در پدر و مادر که سهم مادر مساوی سهم پدر است بلکه گاهی به حسب فریضه از سهم پدر بیشتر هم می شود.

۶. احسان بعد از مرگ

انسان وظیفه دارد نیکی به پدر و مادر را حتی بعد از وفات آنها انجام دهد. همیشه از آنها به خوبی یاد کند و نسبت به آنها خیر و احسان نماید. برخی از این امور مانند قضای نماز، روزه و حج یا پرداخت دیون و بدهکاری والدین بر فرزند واجب و برخی مانند طلب غفران مستحب است.

۶-۱. وجوب قضای نماز، روزه و حج

برخی از امور وجوب تعبدی دارند و با جعل شارع واجب شده اند مانند قضای نماز و روزه و حج پدر و مادر یا پدر بنا بر اختلاف فقها در این مورد بر پسر بزرگ و پرداخت دیون و واجبات مالی والدین بر ورثه و تجهیز میت. امام صادق علیه السلام فرمود: «چه چیزی منع می کند مردی از شما را که احسان کند به پدر و مادرش، زنده باشند یا مرده از طرف آنها نماز بخواند و از طرف آنها صدقه بدهد و از طرف آنها حج کند و از طرف آنها روزه بگیرد و آنچه انجام داده از آن آنها باشد و مانند آنها را هم به خود او بدهند» (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۰۸/۳). روایت شریفه در بردارنده مصادیقی از احسان به والدین مانند صدقه، حج، روزه از جانب والدین است. خداوند ثواب این اعمال را به والدین می دهد.

۶-۲. کلام فقها

فقها قضای نماز و روزه و حج پدر (امام خمینی، ۲۲۷/۱) و یا پدر و مادر را برپسر بزرگتر واجب می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۷۵۶/۱). با توجه به فتوای همه فقها بروجوب قضای نماز پدر برپسر بزرگتر می‌توان براین مطلب ادعای اجماع فی‌الجمله کرد. اصل وجوب اجماعی است، ولی در محدوده آن اختلافاتی وجود دارد. برای مثال پدری که از روی عصیان و نافرمانی ترک عبادت کرده باشد به فتوای برخی فقها قضای عبادتش واجب نیست.

۶-۳. ادای دین و بدهکاری والدین

پرداخت دیون پدر و مادر از اصل ترکه و قبل از تقسیم ارث بر فرزند واجب است. اگر ترکه برای ادای دین کافی نباشد و فرزند کمبود آن را از مال خود بپردازد، نوعی احسان به پدر و مادر بعد از مرگ آنان به‌شمار می‌رود. ترک این واجب در روایات به عنوان عاقی بعد از مرگ نامیده شده است و به عنوان کفاره گناه فرزند در رعایت نکردن حقوق والدین در زمان حیاتشان محسوب خواهد شد و خداوند فرزند را جزء نیکوکاران قرار می‌دهد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اگر بنده نسبت به پدر و مادر در زمان حیاتشان نیکوکار است، ولی بعد از مرگ آنان بدهکاری آنها را ادا نکند و برای آنها استغفار نکند خداوند او را از افراد عاق و آزاردهنده به والدین قرار می‌دهد و اگر در زمان حیاتشان آنان را آزار دهد و به آنها نیکی نکند، ولی پس بعد از مرگشان بدهکاری آنان را بپردازد و برایشان استغفار نماید خداوند عزوجل او را نیکوکار قرار می‌دهد» (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۰۳/۳). امام علیه السلام درباره بنده‌ای که در زمان حیات والدین نسبت به آنان نیکوکار بوده، می‌فرماید: «بعد از مرگ آنان ادای دین و بدهکاریشان بر فرزند، واجب است». کلام امام علیه السلام اعم است از اینکه ترکه برای پرداخت دیون کفایت کند یا نکند و شامل هر دو می‌شود. در صورت عدم کفایت ترکه، فرزند در حال قدرت مالی باید بدهکاری را از مال خود بپردازد.

۶-۴. طلب مغفرت برای والدین

یکی از وظایف مهم فرزند در قبال پدر و مادر بعد از مرگ آنها دعای خیر و طلب مغفرت برای آنهاست. در آیه شریفه امر به طلب رحمت برای والدین شده است. «و بگو: پروردگارا همان‌گونه که آنها مرا در

کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده» (اسراء: ۲۴). در روایت امام صادق علیه السلام قرائت قرآن از مصحف سبب تخفیف عذاب والدین شمرده شده است، حتی اگر کافر باشند (کلینی، ۱۴۲۹، ۴/۶۲۷). از مجموعه ادله‌ای که در این باب وارد شده است، می‌توان استفاده کرد که ارتباط فرزندان با والدین با مرگ آنان از بین نخواهد رفت. دستورات شارع بر وجوب اهتمام به امر آنان حتی بعد از وفاتشان است. در مواردی که شک در وجوب باشد طبق دستور شارع بنا بر وجوب فعل گذاشته می‌شود.

۵-۶. اطاعت از پدر و مادر

احسان به پدر و مادر مطلق و بدون هیچ قید و شرطی لازم است، اما وجوب اطاعت آنان مقید و محدود به این است که متعلق امر آنها معصیت خدا نباشد. برخی فقها قدر متیقن از وجوب اطاعت پدر و مادر را تا جایی می‌دانند که نافرمانی فرزند موجب آزار و عقوق آنان شود. موارد دیگر محل تأمل و اشکال واقع شده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲/۲۳) وجوب اطاعت خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام مطلق و شامل همه امرها و نهی‌های ایشان است، ولی در دیگر موارد مانند اطاعت از پدر و مادر به عدم معصیت، مقید است. بنابراین، اطاعت از آنان در گناه جایز نیست. اعمال و رفتار انسان مکلف باید در محدوده شرع و طبق قوانین دینی باشد. در رابطه با تمام افعال انسان، احکام و قوانینی از سوی شارع جعل شده است. احکام تکلیفی شامل واجبات، مستحبات، حرام، مکروه و مباح می‌شود. اگر والدین از فرزندشان انجام دادن کاری را بخواهند که شارع آن را حرام کرده است اطاعت از آنان جایز نیست مثل اینکه امر به شرکت در جلسه گناه یا بی‌حجابی یا قتل انسان بی‌گناه کنند. اطاعت از والدین در انجام امری که از نظر دین مباح شمرده شده، واجب است. برای مثال از فرزندشان بخواهند که ورزش کند.

۵-۶. ۱- اطاعت در واجبات

واجبات در یک تقسیم‌بندی به دو گروه واجب عینی و کفایی تقسیم می‌شوند. خداوند اطاعت از والدین را واجب کرده است. در صورت تعارض این واجب با واجبات دیگر کدام مقدم می‌شود.

اول) اطاعت از والدین در ترک واجبات عینی

اطاعت از والدین در ترک واجبات عینی جایز نیست. اطاعت از پدر و مادر و انجام واجبات عینی مانند نماز، روزه، خمس، جهاد و... هر دو بر فرزند واجب است. ادله واجبات عینی اطلاق دارند و شامل موارد موافقت و یا مخالفت والدین با انجام واجب می‌شود. انجام روزه ماه رمضان بر فرزند واجب است، پدر و مادرش رضایت بدهند یا ناراضی باشند. از طرفی امر اطاعت از والدین هم اطلاق دارد و شامل اطاعت در واجبات عینی و کفایی می‌شود. محل تعارض این دو واجب در اطاعت فرزند از امر والدین در صورت مخالفت آنان با انجام واجب عینی یا ترک نکردن عمل حرام ظاهر می‌شود و ادله واجبات عینی مقدم می‌شوند. در واقع این تعارض ابتدایی و غیر مستقر است؛ زیرا اطاعت از فرمان پدر و مادر تا زمانی لازم است که مخالفت با امر پروردگار نشود. اطاعت خداوند متعال اصلی است و اطاعت از والدین به تبعیت از امر خداوند واجب می‌شود. خداوند اطاعت از پدر و مادر را جعل فرموده است. اطاعت از پدر و مادر در طول اطاعت خداوند است نه در عرض آن و در واقع مصداقی از اطاعت خداست.

دوم) دلایل تقدم واجبات عینی

الف) دلیل نقلی

در آیه شریفه اطاعت از والدین مقید می‌شود تا جایی که منجر به شریک قائل شدن برای خدا و کفر فرزند نشود. «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند و اگر آن دو (مشرك باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری از آنها پیروی مکن» (عنکبوت: ۸). برخی علما آیه کریمه را اشعار بر وجوب اطاعت در غیر معاصی دانسته‌اند، اما به عقیده مرحوم نراقی، ظاهر آن است که به مفهوم شرط، دلالت بر وجوب اطاعت در غیر معاصی دارد (نراقی، ۱۴۲۲، ۱/۲۴۳). منطوق آیه شریفه دلالت دارد بر اطاعت نکردن فرزند از والدین هنگامی که تلاش کنند که برای خدا شریک قرار دهد، اما مفهوم شرط بر وجوب اطاعت در غیر معاصی دلالت دارد.

اطاعتی که موجب نافرمانی خالق شود، مورد نهی قرار گرفته و حرام است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «اطاعت از مخلوق اگر موجب معصیت خالق شود، جایز نیست» (صدوق، ۱۴۱۳، ۴/۳۸۱).
واژه مخلوق اطلاق دارد و شامل غیر خدای متعال می‌شود. احدی از مخلوقات از جمله پدر و مادر که اطاعت امرشان بر فرزند واجب است بنا بر نص روایت هنگامی که به شرک، کفر و خلاف فرموده الهی امر کنند اطاعت از آنان حرام است، پس اطاعت از والدینی که امر به ترک واجب عینی کنند، حرام است.

ب) دلیل عقلی

در تعارض امر مولای حقیقی با مولای اعتباری که مولویت خود را از جعل مولای حقیقی به دست آورده است امر مولای حقیقی مقدم می‌شود. امر پدر و مادر تا زمانی معتبر و لازم الاجراست که مخالفت با امر شارع نداشته باشد. اطاعت پدر و مادر در عرض اطاعت خدا نیست بلکه در طول اطاعت الهی قرار می‌گیرد. اطاعت از آنها به سبب ولایتی است که خداوند متعال به صورت محدود و مقید به آنان داده است.

ج) کلام فقها

در صورت وجوب جهاد عینی بر فرزند، حضور او در جهاد واجب است و نیاز به اذن پدر و مادر نیست و حتی در صورت مخالفت آنان هم باید به وظیفه‌اش عمل کند و به جهاد برود. بر این مطلب ادعای عدم خلاف شده است و این حکم در همه واجبات عینی وجود دارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۲۶)

سوم) اطاعت از والدین در ترک واجبات کفایی

اطاعت از پدر و مادر واجب عینی است. در تعارض واجبات کفایی با این واجب عینی، اطاعت از والدین مقدم می‌شود. پدر و مادر زمانی که علم یا ظن داشته باشند که شخص دیگر واجب کفایی را انجام می‌دهد، می‌توانند فرزند را از آن منع کنند. (عاملی، ۱۴۱۳، ۲/۴۸) به دلیل اهمیت موضوع جهاد و شدت احتمال خطر جانی در آن، فقها بحث جهاد کفایی را جداگانه مطرح نموده‌اند. اطاعت امر پدر و مادر واجب عینی و شرکت در جهاد واجب کفایی است. در تعارض این دو، واجب عینی مقدم می‌شود. مردی نزد رسول ﷺ آمد و عرض کرد: مردی جوان و بانشاط هستم و جهاد را دوست دارم،

ولی مادرم از این کار کراهت دارد. رسول الله ﷺ فرمود: «برگرد و با مادرت باش. قسم به خدایی که به حق مرا مبعوث کرد، یک شب انس با مادرت بهتر از یکسال جهاد در راه خداست» (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۱۵).

اگر والدین دستور به شرکت نکردن در جهاد دهند، اطاعت امر آنان واجب است و ادعای عدم خلاف بر آن شده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲/۲۱؛ نراقی، ۱۴۲۲، ۲۴۰/۱؛ زیرا جهاد، واجب کفایی است، اما نیکی به پدر و مادر واجب عینی است و در دوران امر بین این دو، نیکی به والدین به شرط مسلمان بودن آنها ترجیح دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۳۰/۹). در تعارض جهاد با حق والدین، اگر جهاد عینی نباشد حق آنان مقدم می‌شود (سیوری، ۱۴۰۳، ص ۱۰۳). تقدم حق پدر و مادر تا زمانی است که جهاد، واجب کفایی باشد. در شرایط خاص که جهاد واجب عینی شود اهمیت آن از اطاعت والدین بیشتر و بر آن مقدم می‌شود. مانند زمانی که حاکم مسلمین حکم به وجوب شرکت در جبهه جنگ بدهد، حکم حکومتی مقدم بر همه احکام می‌شود. مخالفت اکثریت خانواده‌ها با شرکت فرزندانشان در جهاد، اختلال در نظام اسلامی یا وهن دین به خاطر شرکت نکردن در جهاد می‌تواند برخی از علل وجوب شرکت در جهاد باشد. اطاعت از والدین و جهاد، هر دو واجب عینی می‌شود. در تزاخم بین این دو، دفاع از دین اهم از اطاعت والدین است و بر آن مقدم می‌شود. این حکم درباره والدین مسلمان است؛ زیرا کافر بر مسلمان هیچ‌گونه ولایتی ندارد. صاحب جوهر می‌نویسد: «ذکر قید مسلمان بودن والدین به جهت این است که کافر بر مسلمان ولایت ندارد و اطاعت آنان لازم نیست. در جهاد عینی و واجبات دیگر هم ترک امر و مخالفت با آنان جایز است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۵/۲۱).

الف) اذن در سفر برای تحصیل علم

اجازه از پدر و مادر جهت علم‌آموزی در برخی موارد واجب و برخی موارد مستحب است. در تعارض بین دو واجب یعنی، اطاعت از والدین و تحصیل علم - بر فرض وجوب کفایی - اگر تعلم منحصر در این مسافرت باشد، اهم و مقدم می‌شود و نیاز به اجازه نیست، اما در موارد دیگر، والدین اجازه منع از مسافرت جهت تحصیل ندارند مگر هنگامی که امکان تحصیلات در شهر محل اقامتشان فراهم باشد. با وجود فراهم بودن شرایط تحصیل در وطن به احتیاط مستحب فرزند از آنان اجازه بگیرد. (نجفی،

۱۴۰۴، ۲۴/۲۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۱/۳۳۵) البته تا جایی که سبب آزار والدین نشود؛ زیرا آزاررسانی به والدین حرام است. اگر تعلم واجب باشد و فقط با سفر امکان پذیر می شود، اجازه لازم نیست (عاملی (شهید اول)، بی تا، ۱/۳۳۵). برخی فرق بین مسافرت و وطن نگذاشته اند و در هر دو حالت، پدر و مادر را احق می دانند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۵/۱۳۲).

ب) اذن در سفر برای تجارت

زمانی که تجارت واجب کفایی باشد اگر در وطن امکان دارد، سفر تجاری بدون اجازه والدین جایز نیست، اما اگر تجارت در وطن امکان ندارد یا در سفر سود بیشتری عاید می شود بدون اذن هم جایز است در این صورت هم اگر سفر تجاری همراه خطر باشد والدین می توانند فرزند را منع کنند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۴/۲۱)

چهارم) اطاعت در غیر واجبات: مستحبات و مکروهات

اطاعت از والدین واجب است و مستحبات و مکروهات قدرت مقابله با واجبات را ندارند. بنابراین، در این موارد هم اطاعت از پدر و مادر مقدم می شود. برخی اطاعت در امور غیر واجب را مطلقاً لازم دانسته اند. اطاعت از پدر و مادر در مستحبات و مکروهات واجب است و فرزند بدون اجازه آنها نباید مستحبات را انجام بدهد و یا مکروهات را ترک کند (نراقی، ۱۴۲۲، ۲/۲۷۵) و گروهی اطاعت را به شرط نداشتن ضرر دینی یا دنیوی لازم دانسته و می گویند اگر اطاعت در مستحبات و مکروهات موجب ضرر یا از دست دادن منفعتی شود، واجب نیست (عاملی، ۱۴۱۳، ۲/۴۹). آیت الله بهجت می فرماید: «اگر اعتکاف فرزند مستلزم آزار و اذیت آنها باشد، اجازه پدر و مادر لازم است» (بهجت، ۱۴۲۸، ۲/۴۴۲). روزه مستحبی اگر موجب آزار پدر و مادر شود، مکروه است و در صورت نهی آنان به احتیاط واجب ترک شود، حتی اگر اذیت نشوند (امام خمینی، بی تا، ۱/۳۰۳).

۷. ادله قائلین و وجوب اطاعت مطلق در مستحبات و مکروهات

۷-۱. آیات

«و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید». (اسراء: ۲۳) در آیه شریفه بعد از پرستش خدای متعال واژه احسان به والدین بدون هیچ قید و شرطی بیان شده است، پس اطاعت از آنان مطلقاً لازم است، غیر از مواردی که استثنا شده است مانند جایی که اطاعت از آنان موجب شرک شود و در آیات شریفه (عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵) بیان شده است و همچنین روایت: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۳۸۱/۴) که بیان می کند، اگر اطاعت از پدر و مادر موجب عصیان و نافرمانی خالق شود مورد نهی شارع قرار گرفته است. در مستحبات و مکروهات امر و نهی الزامی نیست و شارع، جواز فعل و ترک داده است. بنابراین، اطاعت از والدین به طور مطلق واجب می شود.

۷-۲. روایات وارد شده در باب بر والدین

اخبار نیکی به پدر و مادر، اطلاق دارند شامل امور مادی، معنوی، کافر و مسلمان، حی و میت، مستحبات و مکروهات و... می شود. فقط در امور الزامی اگر خلاف رأی شارع امر کنند، پذیرفته نمی شود. (نراقی، ۱۴۲۲، ۲۴۳/۱)

۷-۳. روایت محمد بن مروان

«از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که فرمود: مردی نزد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و از حضرت درخواست سفارش نمود. حضرت فرمود: اطاعت از پدر و مادرت بکن و زنده باشی یا مرده به آنها نیکی نما و اگر امر کنند که خانواده و یا مال را رها کنی این کار را انجام بده، همانا این از ایمان است». (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۰۵/۳) از دیدگاه مرحوم نراقی روایت بر وجوب اطاعت دلالت دارد اگرچه متضمن ضرر باشد؛ یعنی اطاعت چه موجب ضرر شود یا نشود، واجب است. رابطه این روایت با روایات لاضرر و نفی عسر و حرج رابطه خاص و عام است. روایات عام می گوید در اسلام حکم ضرری و حکمی که انسان را به سختی و مشقت دچار کند، نداریم و این روایت خاص بوده و روایات عام را تخصیص می زند و می فرماید: «اطاعت از والدین حتی اگر موجب ضرر یا مشقت باشد، لازم است» (نراقی، ۱۴۲۲، ۲۴۳/۱). منطوق روایت اطلاق داشته

و شامل امر به اطاعت از پدر و مادر در حال حیات و مرگ، اطاعت موجب ضرر مالی و غیر مالی و اطاعت بدون ضرر می‌شود. برای مثال اگر به کار مستحبی مانند صدقه به فقرا امر کنند و اطاعت این امر سبب ضرر مالی بر فرزند شود یا امر به کار مکروه مانند طلاق همسر کنند، مشقت و ضرر برای فرزند و همسر و بچه‌هایش به وجود آید اطاعت امر واجب است.

در تفسیر فرمایش امام ممکن است گفته شود منظور از رها ساختن خانواده، ترک کوتاه‌مدت یا قهر کردن و در مرتبه آخر طلاق باشد یا ذکر رها سازی و طلاق بیانگر اهمیت فوق‌العاده اطاعت باشد. تا جایی که حتی اگر امر به انفاق همه مال یا طلاق همسر کنند و جوب اطاعت لازم باشد. در مواردی که ضرر قابل تحمل باشد مانند امر به هبه قسمتی از دارایی یا رها کردن کوتاه‌مدت همسر یا قهر با او، به دلیل آیات و روایاتی که امر به اطاعت کرده‌اند، اطاعت در غیر معصیت واجب است، اما اگر امر به هبه تمام مال کنند که فرزند را از هستی ساقط کرده و محتاج دیگران سازد یا امر به طلاق همسر موجب ضرر و زیان غیر قابل جبران و عسر و حرج شود وظیفه فرزند چیست. در این موارد محل تراحم دو واجب است و مورد اهم بر مهم ترجیح دارد. اگر عدم اطاعت باعث ناراحتی، رنجش شدید و خشم پدر و مادر شود و فرزند هم ضرر قابل توجه و غیر قابل تحمل نمی‌بیند، اطاعت از پدر و مادر اهم است و ادله و جوب اطاعت مقدم می‌شود و هنگامی که خواسته والدین از روی هوی و هوس باشد یا در اثر طلاق، عوارضی مانند فساد زن یا جنون یا مشکلاتی برای فرزندان به وجود آید، می‌توان ادله نفی ضرر و حرج را مقدم کرد. بیان شد که اطاعت امر پدر و مادر واجب است. این سؤال به ذهن می‌رسد در صورتی که پدر فرزند را به انجام عملی امر کرده و مادرش به خلاف آن امر کند، اطاعت از کدام یک واجب است. از دیدگاه مرحوم نراقی اینجا از باب تقدیم واجب و امر به ترک واجب نیست بلکه به جهت تعارض دو امر است و ظاهر روایات ترجیح جانب مادر است و باید قول مادر را مقدم نماید. (نراقی، ۱۴۲۲، ۱/۲۴۵) به نظر می‌رسد در اموری که پدر بر فرزند ولایت دارد، اطاعت امر پدر لازم است و در امور دیگر امر پدر با امر مادر تعارض کرده و اطاعت امر مادر بر پدر به دلیل روایات مقدم است.

۸. تعیین حکم وضعی مسئله

احسان به پدر و مادر و اطاعت از آنان واجب است. ترک احسان والدین و ترک اطاعتی که موجب آزار آنان شود حرام است؛ زیرا امر به شیء مستلزم نهی از ضد آن است. (خراسانی، ۱۴۲۲، ص ۱۶۱) مواردی که ترک اطاعت و ترک احسان موجب رنجاندن پدر و مادر شود، مورد نهی شارع قرار می‌گیرد و حرمت تکلیفی دارد. از نظر حکم وضعی اگر مکلف به جای احسان و اطاعت والدین عمل دیگری انجام دهد، برای مثال به جای اطاعت، مشغول خواندن نماز مستحب یا نماز واجبی که وسعت وقت دارد، شود یا زیارت مستحبی انجام دهد یا به جای احسان والدین به تحصیل علم یا تجارت بپردازد چه حکمی دارد. اگر آن کار عبادت واجب در وسعت وقت باشد، باطل است و در تراحم میان اهم و مهم، اهم که اطاعت از پدر و مادر است، مقدم می‌شود؛ زیرا عبادت نیاز به قصد تقرب دارد و با وجود نهی از جانب شارع امکان قصد تقرب وجود ندارد (خراسانی، ۱۴۲۲، ص ۲۲۴) مگر معتقد به ترتب شود و گفته شود با ترک اهم به خاطر انجام مهم ثواب می‌برد و اگر عبادت مستحبی باشد با وجود امر واجب نوبت به امر استحبابی نمی‌رسد. اگر آن عمل از معاملات باشد چون در معامله قصد قربت شرط نیست، معامله صحیح است و نهی در معامله اقتضای فساد ندارد (خراسانی، ۱۴۲۲، ص ۲۲۵).

۹. راه کارهای فرهنگ‌سازی ارتباط بین فرزندان با پدر و مادر

بعد از شناخت مبانی غنی اسلام در ارتباط والدین و فرزندان، برای حل معضلات خانوادگی باید برای پیاده کردن آن در متن زندگی گام برداشت. مهمترین مسئله، فرهنگ‌سازی است که از کانال‌های مختلف قابل اجراست مانند خانواده، رسانه، نهادهای مرتبط با خانواده مثل مهد کودک، آموزش و پرورش. پدر و مادر اولین و مهمترین الگو برای فرزندان هستند. توحیدمحوری در همه اعمال، تقویت مبانی دینی، ارائه الگوی عملی برای فرزندان با احسان پدر و مادر به والدین خود، ایجاد رابطه انس و اظهار محبت و عطف بین پدر و مادر و بین والدین و فرزندان، توکل به خدا، صداقت، تفاهم، قناعت و ساده زیستی، امید در همه مراحل زندگی، صبر در برابر ناملایمات زندگی اموری هستند که انسان را یاری می‌کنند. بعد از پدر و مادر، مربیان در مهد کودک می‌توانند برخی رفتارهای درست را به صورت

ساده و با زبان کودکانه در قالب شعر یا داستان به خردسالان یاددهند مانند دوست داشتن پدر و مادر، گوش کردن حرفشان، اجازه گرفتن برای انجام برخی کارها. در مدرسه نحوه رفتار و سخنان معلمین تأثیر شگفتی بر دانش آموزان دارد و الگوپذیری زیادی از آنان دارند. تذکرات معلمین گرمی به دانش آموزان در قالب شعر، داستان و... همچنین قراردادن معارف اسلامی در متون درسی مختلف به شکل جذاب و زیبا از کارهای ضروری در این زمینه است. همچنین رسانه و فضای مجازی از عوامل تأثیرگذار قوی در فرهنگ مردم است. جایگزین کردن فرهنگ اسلامی به جای برخی رفتارها که ناشی از رسوخ فرهنگ غربی در جامعه است، به تصویر کشیدن رفتارهای صحیح بین پدر و مادر و والدین و فرزندان مانند حفظ احترام متقابل، لحن صحیح گفتار، اهمیت به حرف پدر و مادر، برجسته کردن کارهای شایسته، نشان دادن فضای سنتی خانواده، نشان ندادن مستقل زیستن فرزندان به ویژه دختران براساس شیوه غربی، پرهیز از نقش های اصلی برای انسان های بد رفتار و خلافکار و موارد دیگر.

۱۰. نتیجه گیری

شناخت مبانی ارتباطی درون خانواده برای دستیابی به خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام ضروری است. به کمک مبانی فقهی و اخلاقی می توان ارتباطات خانوادگی را اصلاح کرد. در آموزه های دینی، تعالیمی برای چگونگی رابطه فرزندان با والدین مشاهده می شود. خدامحوری در همه امور و در این ارتباطات مهمترین نقش را ایفا می کند. مبناهای فقهی روابط فرزندان با پدر و مادر شامل این موارد می شود: احسان به والدین شامل: احسان در حال حیات شامل احترام، ادب، مشورت، مراقبت در کهنسالی و رفع حوائج ضروری، وجوب نفقه، احسان بعد از مرگ شامل: انجام قضای نماز و روزه و حج و ادای دین و بدهکاری و وصیت والدین، وجوب اطاعت از پدر و مادر، اطاعت از آنان مقید به عدم مخالفت با شرع است.

فهرست منابع

* قرآن کریم، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول. قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن فارس، ابوالحسن (۱۴۰۴). معجم مقانیس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مكرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۴. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸). *استفتانات*. قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غرر الحکم و درر الکلم*. محقق: رجایی، سیدمهدی. قم: دار الکتب الاسلامی.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۷. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*. قم: مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه*. بيروت: دار العلم للمالین.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام.
۱۰. حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۳). *نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الإمامیه*. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۱. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۲۲). *کفایه الاصول*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۲. سعدی ابوجیب (۱۴۰۸). *القاموس الفقهی لغه و اصطلاحا*. دمشق: دار الفکر.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*. تهران: انتشارات جهان.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). *العروه الوثقی*. بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). *مجمع البحرین*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۱. عاملی، محمد بن مکی (بی‌تا). *القواعد و الفوائد*. مصحح: حکیم، عبدالهادی. قم: کتابفروشی مفید.
۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴). *تذکره الفقها*. قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام.
۲۳. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). *الکافی (ط - الإسلامیه)*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹). *الکافی (ط - دار الحدیث)*. قم: دار الحدیث.
۲۶. لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸). *التعلیقه علی المکاسب*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). *بخار الأنوار*. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۴). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۹. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۰. محمود عبدالرحمان (بی‌تا). *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه*، بی‌جا، بی‌نا.
۳۱. مشکینی، علی (بی‌تا). *مصطلحات الفقه*، بی‌جا، بی‌نا.
۳۲. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز کتاب للترجمه و النشر.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). *دایره‌المعارف فقه مقارن*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۴. ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات اصول*. قم: نشر المصطفی.
۳۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی تا). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. نراقی، ملامحمد مهدی (بی تا). *جامع السعادات*، بی جا، اعلمی.
۳۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۲). *رسائل و مسائل*. قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملا احمد.
۳۹. واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، و حسینی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.